



University of Tehran Press

Semantic Analyses of the Concept of Social Justice in Holly Quran (Study Subject: Collocations)

Abolhasan Amin Moghadasi ¹, **Nafiseh Afsahi** ²

1. Department of Arabic language and literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: abamin@ut.ac.ir

2. Corresponding Author, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: afsahi_n@yahoo.com

Article Info	Abstract
<p>Article type: Research Article</p> <p>Article history:</p> <p>Received: 24, June, 2019</p> <p>Received in Revised form: 17, September, 2019</p> <p>Accepted: 20, September, 2020</p> <p>Published online: 11, March, 2023</p> <p>Keywords:</p>	<p>Collocation is one of the means of semantics that can be used in order to study the meaning exactly by conversation's analysts. Collocation means the current other words line collocation is related to possibility of occurring of the units abreast for creating extensive units. According, semanticists find the meaning of one word with collocated words, so they find more exact meaning of more extensive units like the sentence and the text. One of the important subjects in holy Quran is "justice" that Allah paid this subject and he has thought mankind it legs in populous verses; according to this populous verses and also for its position and importance in human society, it must be studied exactly. However in this basis yet many researches were done, but in order to attain an exact meaning of justice in holly Quran, it is better that we use getable means in semantics, therefore we decided to study some of the verses of justice in Quran as result, at the end of discourse, we find that justice is one of the important subjects in society and Allah also has affirmed on it. Allah asks that be livers to endowed to this attribute and to be diligent for its execution and the execution of justice is also depended on fidelity to right, inhibiting the factionalism and avoiding some behaviors like violating the other's right and etc. It is noticeable that the justice is contain, the formative justice and social justice with different types of justice such as family, judicial, military justice and In this essay, our chosen verses include some verses about social justice that they are searchable in judicial justice. In order to introduce the verse that are stated in four verses briefly, in this essay, the meaning of verse and the dotted meaning of word is mentioned, then meaningful collocations that are related to purpose of verse will be studied.</p> <p>holly Quran, collocation, justice, social justice, semantics</p>

Cite this The Author(s): Amin Moghadasi, A., Afsahi, N., 2023. Semantic analyses of the Concept of Social justice in Holly Quran (Study Subject: Collocations): Journal of ADAB-E-ARABI (Arabic Literature) (Scientific) Vol. 15, No. 1, , Serial No. 32- Spring, - (43-60)- DOI:10.22059/JALIT.2019.284140.612095.



واکاوی معناشناختی مفهوم عدالت اجتماعی در قرآن کریم با تکیه بر مبحث هم‌نشینی‌های معنایی

ابوالحسن امین مقدسی^۱، نفیسه افصحی^۲

abamin@ut.ac.ir

۱. گروه زبان و ادبیات عربی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه:

Mirzaineya_99@yahoo.com.

۲. نویسنده مسئول، گروه زبان و ادبیات عربی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه:

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: بحث علمی	هم‌نشینی یکی از ابزارهای معنی‌شناسی است که می‌تواند برای بررسی دقیق معنا توسط تحلیل گران کلام مورد استفاده قرار گیرد. در فرایند هم‌نشینی، ارتباط واژه‌ها با یکدیگر درون جمله و متن مورد توجه قرار می‌گیرد و معنای هر واژه از طریق واژه‌های هم‌نشینی آن یافت می‌شود که به این ترتیب معنای دقیق‌تری از واژه‌ها و در نتیجه جمله و متن به دست می‌آید. یکی از موضوعات مهم در قرآن کریم، مسئله «عدالت» است که سزااست با توجه به جایگاه و اهمیت آن در جامعه انسانی، به طور دقیق مورد بررسی قرار گیرد. هر چند تاکنون پژوهش‌های زیادی در این زمینه انجام گرفته؛ اما برای رسیدن به معنایی دقیق‌تر از عدالت در قرآن، بهتر است از ابزارهای موجود در علم معنی‌شناسی بهره ببریم؛ لذا بر آن شدیم تا با استفاده از ابزار «هم‌نشینی» به بررسی چند آیه در حوزه عدالت در قرآن کریم بپردازیم. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که عدالت یکی از موضوعات مهم در جامعه و مورد تأکید خداوند است و خواسته خداوند این است که مؤمنان، متصف به این صفت بوده و در برپایی آن کوشا باشند و نیز اینکه اجرای عدالت در جامعه منوط به پایبندی به یک سری از رفتارها مانند پایبندی به حق، عدم باندبازی و... و دوری از بعضی از رفتارهای مانند پایمال کردن حق دیگران و... است. در چهار آیه معرفی شده در این مقاله، به منظور معرفی اجمالی آیه، ابتدا معنای آیه و معنای معجمی واژگان ذکر می‌گردد، سپس هم‌نشینی‌های معنادار و مرتبط با هدف آیه مورد بررسی قرار می‌گیرد.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۰۳	
تاریخ بازنگری: ۱۳۹۸/۰۶/۲۶	
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۳۰	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰	
واژه‌های کلیدی:	قرآن کریم، عدالت، هم‌نشینی، هم‌آیی، معنی‌شناسی، عدالت اجتماعی

استناد: امین مقدسی، ابوالحسن، افصحی، نفیسه، ۱۴۰۲. واکاوی معناشناختی مفهوم عدالت اجتماعی در قرآن کریم با تکیه بر مبحث هم‌نشینی‌های معنایی: ادب عربی، سال ۱۵، شماره ۱، بهار - شماره پیاپی ۳۵ - (۴۳-۶۰).

DOI: 10.22059/JALIT.2019.284140.612095



ناشر: موسسه انتشارات دانشگاه تهران

۱. مقدمه

یکی از مسائل مهم جامعه بشری که در طول تاریخ مورد توجه افراد بشر بوده، مسئله عدالت □ است. عدالت از جمله اهداف مهم بعثت پیامبران بوده و خدای متعال برای برقراری این مهم در جامعه انسانی قوانین بسیاری را وضع کرده و توسط پیامبران خود به مردم ابلاغ نموده است. قرآن، آخرین کتاب آسمانی، در آیات بی‌شماری به این موضوع پرداخته و به طور مستقیم و غیرمستقیم در مورد عدالت با مردم سخن گفته و قوانین مربوطه را آموزش داده و انسان را از ظلم و بیداد و پایمال کردن حق دیگران بر حذر می‌دارد. هر چند شاید با یک نگاه سطحی به قرآن، آیات دارای واژه‌های صریح حوزه عدالت که به طور مستقیم معرف این مسئله باشند، کم هستند، اما با نگاهی عمیق‌تر می‌توان آیات زیادی را پیدا کرد که به گونه‌های مختلف و با واژه‌های مرتبط با مفهوم عدالت، این بحث را به میان کشیده و جنبه‌های گوناگون آن را مورد توجه قرار داده است؛ بنابراین با توجه به اهمیت موضوع از دیدگاه خداوند و نیز مبتلا بودن جامعه انسانی با این مسئله مهم بر آن شدیم تا کمی دقیق‌تر به موضوع بپردازیم و با بررسی چند آیه در حوزه عدالت در قرآن گامی در راستای تحقق آن در جامعه برداریم. از آنجا که بررسی دقیق هر گفتاری منوط به بررسی معنای آن است، ما در این مقاله به وسیله یکی از ابزارهای معنی‌شناسی یعنی «هم‌نشینی» و «باهم‌آیی» واژه‌ها در چند آیه از آیات مربوط به موضوع عدالت اجتماعی در قرآن سعی می‌کنیم این موضوع را واکاوی نموده تا شاید اندکی از سطح قرآن فراتر رفته و به معنای عمیق‌تری برسیم.

۱-۱. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های زیادی در زمینه عدالت صورت گرفته که بیشتر آن‌ها در حوزه علوم تفسیر و فقه و علوم سیاسی است و ارتباط چندانی به بحث ما ندارد؛ اما در حوزه زبان‌شناسی و معنی‌شناسی غیر از چند مقاله، سابقه زیادی از این موضوع وجود ندارد. آقای محمدحسین اخوان طبسی در مقاله خود با عنوان «صورت‌بندی مفهوم عدالت در قرآن کریم بر مبنای واژه قسط» معتقد به تیرگی معنایی واژه قسط است و با استفاده از نظریات مختلف در حوزه معناشناسی از جمله روابط هم‌نشینی، حوزه‌های معنایی و مؤلفه‌های معنایی و نیز با بهره‌گیری از روش‌های متنوع زبان‌شناسی تاریخی از قبیل ریشه‌شناسی، گونه‌شناسی و مطالعات زبان‌های سامی به تحلیل معناشناختی واژه قرآنی قسط می‌پردازد. آقای عبدالحسین خسرو پناه در مقاله خود با عنوان «وسعت معنایی عدالت در قرآن» به تبیین معنای عدل، قسط و ظلم بر اساس تعاریف لغوی و تفسیری پرداخته و برای تکمیل بحث، به ارائه آمار آیات مربوطه نیز روی می‌آورد. آقای سید محمد هاشم‌پور مولا در مقاله «معناشناسی واژه عدل در قرآن کریم بر مبنای روش ایزوتسو» ساختار معنایی واژه عدل را بر اساس گزاره‌های حاصل از آیات قرآن با استفاده از روش ایزوتسو بررسی می‌کند که در این راستا علاوه بر تبیین ارتباط معنایی عدل با مفاهیم قسط، حق، ایمان،

علم، صدق و تقوی به عنوان حوزه معنایی به ارائه بحث تفسیری نیز می‌پردازد. در میان اندیشمندان عرب نیز محمد شحرور از جمله کسانی است که با رویکرد زبان‌شناسی آثاری در زمینه موضوعات قرآنی و دینی ارائه کرده که از جمله می‌توان کتاب‌های «الکتاب و القرآن، دراسات اسلامية معاصرة في الدولة و المجتمع، الاسلام و الايمان، نحو اصول جديدة للفقہ الاسلامی، الدین و السلطه، دليل القراءة المعاصرة للتنزيل الحكيم و ...» را نام برد (ن. ک. احمدی، پور آذر، ۱۴۰۰: ۱۳۹). او در آثار خود به مسئله حقوق انسان در خانواده، حقوق زن، حجاب، تعدد زوجات، ارث و ... با خوانشی جدید پرداخته و موضوعات فوق را بر اساس عدالت مفروض بررسی کرده که البته توسط پژوهش‌گران مورد نقد و بررسی هم قرار گرفته است. دیگر اندیشمند عرب، نصر حامد ابوزید است که او هم با رویکردی معاصر در زمینه موضوعات دینی آثاری از جمله «مفهوم النص، نقد الخطاب الديني، النص، السلطه، الحقیقه و ...» ارائه کرده است. ابوزید در بحث خود پیرامون چیستی وحی درباره تاریخ‌مندی قرآن و تعامل آن با واقعیت سخن می‌گوید و در مورد فهم‌پذیری قرآن، توجه به افق تاریخی آن را مهم می‌داند. عدالت نیز یکی از موضوعات مطروحه در اندیشه قرآنی ابوزید است. او عدل را بر اساس آیات قرآن مفهومی الهی و مقدس و در رأس قوانین هستی و خداوند را قائم به قسط می‌داند و معتقد است که قرآن تنها به فرمان به عدالت و واژه‌های مترادف آن بسنده نکرده، بلکه نمادهای رساننده اهمیت و ضرورت عدالت را بیان می‌نماید. وی در بحث از عدالت فردی، مسئله فطرت انسان را مطرح کرده و اعتقاد دارد که اعتراف به یگانگی خداوند و پابندی به آثار و تبعات آن عدالت فردی محسوب می‌شود. او در بحث از عدالت اجتماعی - سیاسی، مباحث مختلف از جمله جنگ، حقوق انسان، جزیه، تعدد زوجات و جایگاه زن در قرآن، عدالت اقتصادی را مطرح می‌کند. او معتقد است که در خوانش قرآن باید وجه تاریخی و فرهنگی و زمینه وحی قرآنی و نقش نبی را در نظر گرفت. ابوزید زبان را نظامی از تحلیل زبانی نشانه‌ها می‌داند که همه افکار را عنوان بندی می‌کند. بر این اساس بر این باور است که چون قرآن متن زبانی است که در طول مدت بیش از بیست سال شکل گرفته است و شکل‌گیری آن نیز با توجه به واقعیات و فرهنگ زمانه بوده، باید برای فهم آن از روش تحلیل زبانی بهره گرفت.

رویکرد ما در این مقاله، موضوع عدالت در قرآن کریم و مطالعه موردی چند آیه بر مبنای هم‌نشینی است که البته به طور مسلم نسبت‌های واژگانی از طریق روش تأویل و تفسیر در این راستا تبیین می‌گردند که با پژوهش‌های پیشین تفاوت واضحی دارد. این نوشتار درصدد پاسخ دادن به این پرسش‌هاست که خداوند در آیات مورد بحث عدالت چه مفاهیم و مقولاتی را مشخص کرده که مفهوم عدالت را بازنمایی می‌کند و این مفاهیم چگونه در این بازنمایی نقش آفرینی می‌نمایند؟ بر این اساس، احتمالاً به این نتیجه دست خواهیم یافت که واژه‌هایی در قرآن کریم وجود دارند که حوزه معنایی عدالت را می‌سازند و زوایای مختلفی از این مفهوم مهم را

به‌خوبی توضیح می‌دهند و دیگر اینکه بعضی از این واژه‌ها با بعضی دیگر هم‌آبی دارند و در یک زنجیره معنایی، تصویر کامل‌تری از عدالت را پیش روی مخاطب قرار می‌دهند و در نتیجه اینکه هم‌نشینی تا چه اندازه می‌تواند در تبیین معنا مؤثر باشد. شایان ذکر است که یکی از حوزه‌های عدالت در قرآن عدالت اجتماعی با شاخه‌های مختلف از جمله عدالت خانوادگی، عدالت قضایی، عدالت نظامی و ... است. آیات برگزیده ما در این نوشتار چند آیه در حوزه عدالت اجتماعی است که بیشتر در شاخه عدالت قضایی قابل بررسی است.

۱-۲. عدالت

عدالت یعنی قرار گرفتن هر چیز در محل خود. العدل یضع الامور مواضعها (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷). عدالت به معنای حالت درونی انسان است که وی را به تقوا و مروت پای بند ساخته و این التزام او را به مرتبه‌ای رساند که ارتکاب به معاصی کبیره و اصرار به صغیره را از وی سلب کند (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۸۰).

داوری و قضا در حیات اجتماعی انسان‌ها بدیهی و متداول و از لوازم زندگی اجتماعی به شمار می‌آید. عدل بالاترین درجه حسن اخلاقی است و دین، این واقعیت انکارناپذیر را به ما می‌آموزاند و علم مؤید آن است (همان: ۱۵۳).

اسلام شرط اساسی برای رسیدن به کمال انسانی را قوام در توازن و به تعبیری «قوام به عدل» می‌داند. انسان در این طریق باید نفس خویش را با عوالم وجود هماهنگ سازد؛ یعنی عالم نفس باید با عالم تکوین و تشریح سازگاری داشته باشد تا بتواند در طریق شریعت به جایگاه حقیقت بار یابد، بنابراین قائم به عدل بودن در عدالت قضایی برای قاضی بس نیست بلکه باید قوام باشد و به این نکته در آیات و روایات برای عموم مسلمانان و مؤمنان خصوصاً قضات بسیار تأکید شده است: (ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط...) (همان: ۱۵۴).

شهید مطهری چهار معنی و یا چهار مورد استعمال را برای کلمه «عدل» ذکر می‌کند که عبارت‌اند از: موزون بودن، تساوی و نفی هرگونه تبعیض، رعایت حقوق افراد و عطا کردن به هر ذی‌حق حق او را، رعایت استحقاق‌ها در افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه و رحمت به آنچه امکان وجود یا کمال وجود دارد (شهید مطهری، ۱۳۵۲: ۵۴).

عدل به مفهوم اجتماعی، هدف نبوت و به مفهوم فلسفی مبنای معاد است (همان: ۴۸). عدالت اجتماعی که یکی از مهم‌ترین شاخه‌های عدالت به شمار می‌رود، ارزشی است که با فراگیر شدن آن، جامعه دارای زمینه‌هایی می‌گردد که افراد به حق خود می‌رسند و امور جامعه به تناسب و تعادل در جای بایسته خویش قرار می‌گیرد (ر.ک سید باقری، ۱۳۹۳: ۱۲۶).

۱-۳. هم‌نشینی

یکی از فرایندهای موجود در زبان «فرایند هم‌نشینی» نام دارد (شعیری، ۱۳۸۱: ۱۰۹) که در علم معنی‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. از آنجا که معنی‌شناسی در تلاش است معنا را در سطوح

مختلف به شیوه علمی بررسی نماید، لذا برای مطالعه قرآن کریم هم می‌توان از آن بهره گرفت که در حال حاضر هم مطالعات گسترده‌ای در این حوزه انجام می‌گردد که به فهم دقیق‌تر قرآن کمک می‌کند (قائمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۲).

مطالعه هم‌نشینی به بیش از پنج دهه قبل برمی‌گردد. فرث^۱ اولین بار در سال ۱۹۵۷ اصطلاح هم‌نشینی را به کار برد و مطالعاتی در زمینه هم‌نشینی کلمات و شیوه‌های مختلف این هم‌نشینی‌ها انجام داد (حسینی معصوم، ۱۳۹۱: ۳).

هم‌نشینی یعنی «ارتباط رایج یک واژه در زبان با واژه‌های معین دیگر در جمله‌ها» (یونس علی، ۲۰۰۷: ۱۲۲). بر این اساس معنی شناسان از طریق واژه‌های هم‌نشین یک کلمه به معنی آن پی می‌برند و به این ترتیب معنای دقیق‌تری از واحدهای بزرگ‌تر یعنی جمله و متن به دست می‌آورند.

از نظر معنی‌شناسی ساختگرا واژه‌ها می‌توانند از مختصات ترکیبی خاصی برخوردار باشند و طبیعتاً می‌توان این مختصات را در تحلیل حوزه‌های واژگانی دخالت داد؛ اما در سال ۱۹۳۴، والتر پورتسیگ^۲، زبان‌شناس آلمانی، برای نخستین بار به این نکته اشاره کرد که ترکیب بر روی محور هم‌نشینی در کنار مختصات نحوی تابع جنبه‌های معنی نیز هست؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که قرابت معنایی میان واژه‌های هم‌وقوع در قالب روابط واژگانی هم‌نشین امکان طرح می‌یابند؛ درست مثل روابط واژگانی جانشین که مبتنی بر شباهت‌اند (همان: ۱۴۲). تحلیل ساختاری باید این امکان را پدید آورد تا بتوان پیوندی را که میان نظام صورت‌ها و نظام معنی‌ها وجود دارد آشکار کرد. هدف ساخت‌گرایی به شمارش اوزان و توجه به واج‌های تکراری خلاصه نمی‌شود، بلکه در ضمن خود باید با پدیدارهای معنی‌شناسی نیز چالش کند. از این دیدگاه یکی از گرایش‌های بسیار نوین در پژوهش‌های ادبی، بررسی ساختاری واحدهای بزرگ گفتمان، برون از محدوده بررسی جمله است؛ بنابراین جا دارد که نظام‌ها از سطح کلی‌تر همچون روایت، توصیف و دیگر شکل‌های عمده بیان ادبی بررسی شوند. آنگاه یک زبان‌شناسی گفتمان به وجود خواهد آمد که فرازبان شناختی است برای اینکه واقعیات زبان را می‌شود بدان وسیله به میزان وسیع بررسی کرد (سجودی، ۱۳۸۸: ۱۵۳).

در زبان‌شناسی ساختگرا بحث درباره نظام زبان پیش کشیده می‌شود و مسئله اصلی صرفاً رابطه عناصر با یکدیگر نیست، بلکه مسئله بر سر ارزش هر عنصر برحسب سایر عناصر است. این نکته یکی از بارزترین مختصات نگرشی ساختگرا را می‌نمایاند (صفوی، ۱۳۸۸: ۵۹).

مسئله رابطه هم‌وقوعی به تمایزی مربوط می‌شود که سوسور میان محور جانشینی و محور هم‌نشینی زبان برقرار کرده است. محور جانشینی به تداعی مشابهت‌ها مربوط است. اگر به سراغ

1. J.R Firth

2. Walter Porzig

صورت واحدهای زبان برویم، میز، تیز و لیز در تداعی با یکدیگرند. برحسب معنی، تیز می‌تواند با برنده و یا لیز با سر در تداعی قرار گیرد. محور هم‌نشینی به امکان وقوع واحدها در کنار هم برای ساخت واحدهای بزرگ‌تر مربوط است. در حوزه صرف، واژه‌های مرکب و مشتق بر روی این محور شکل می‌گیرند. در سطح نحو نیز، شکل‌گیری گروه‌ها، جمله‌ها و جمله‌های غیر بسیط بر روی این محور تحقق می‌یابند. روابط جانشینی شامل شباهت‌های «بالقوه» و روابط هم‌نشینی، هم‌وقوعی «بالفعل» را شامل می‌شود (گیرتس، ۱۳۹۳: ۱۴۱). طبق نظر سوسور اصول، اصول نظم جانشینی و هم‌نشینی در تمام سطوح زبان مشهود است. این امر از ترکیب و جانشینی واج‌های مختلف در کلمات تا نظم کلمات در جملات و گفتار گسترش می‌یابد؛ بنابراین سوسور با استفاده از اصول مشابه و یکسانی که بیان می‌کند، هم می‌تواند روابط درون سطوح مختلف زبان را تحلیل کند و هم می‌تواند روابط بین سطوح مختلف را بررسی نماید. این مطلب جنبه ساختارگرایی نظریه او را شکل می‌دهد (هوارث، ۱۳۸۶: ۱۹۲).

فرث به تشخیص واژه از طریق معنی واژه‌های هم‌نشین آن معتقد بود. از نظر وی، این هم‌آیی واژه‌ها که او آن را تحت عنوان «هم‌نشینی»^۱ مطرح می‌سازد، تنها بخشی از معنی واژه‌ها را در بردارد (پالمر، ۱۳۶۶: ۱۶۱). او بافت موقعیتی را نیز تنها ابزار بیانگر معنی نمی‌داند، بلکه آن را یکی از ابزارها یا روش‌های توصیفی زبان تلقی می‌کند. فرث تأکید می‌کند که بررسی زبان بر پایه بافت موقعیت مستلزم این است که بافت موقعیت همراه با متن زبانی مورد نظر تحلیل شود. او روابط هم‌نشینی موجود میان عناصر ساخت زبانی مورد نظر در سطوح گوناگون را یکی از روابط درونی متن زبانی می‌داند. دنین^۲ نیز با هم‌آیی یا همراهی خاص هر واژه با سایر واژه‌ها را یکی از راه‌های تعیین معنی واژه می‌داند و معتقد است که لازم نیست معنی هر واژه از پیش در نظر گرفته شود (آقا گل زاده، ۱۳۹۰: ۲۳ و ۲۴).

هم‌نشینی از جمله روابط واژگانی است که در صورت‌های ترکیبی کلام نمود پیدا می‌کند. در این حالت، نظام حاکم بر زبان، نظام « و ... و » است، یعنی عوامل دخیل در وقایع در کنار هم قرار می‌گیرند و سبب تکمیل شدن هم می‌گردند و امکان حذف یکی و جانشینی دیگری نیست. همین ترکیب است که حرکتی رو به جلو را سبب می‌شود و بعضی از زبان‌شناسان از آن تعبیر به حرکت خطی کرده‌اند (شعیری، ۱۳۸۱: ۱۰۹ و ۱۱۰)؛ بنابراین می‌توان گفت که مفهوم «هم‌نشینی» چیزی جز ارتباط یک عنصر زبانی با سایر عناصر تشکیل‌دهنده زبان نیست (پالمر، ۱۳۸۱: ۱۵۹). به‌عنوان مثال در این قطعه شعری «باز باران با ترانه با گوهرهای فراوان می‌زند بر بام خانه» که شاعر در ذهن خود به دنبال یک تصویرسازی تأثیرگذار از نمایش زیبای باران بوده، با کنار هم قرار

1. Collocation

2. F.P. Dinnen

دادن واژه‌های «باران، ترانه، گوهرها، بام خانه» این حرکت خطی را تولید کرده و تعبیر خود از باران را تکمیل نموده و به هدف خود نائل شده است.

این عناصر برخی به دنبال برخی دیگر بر روی زنجیره گفتار جای می‌گیرند. ترکیباتی که روی خط زبان گسترش می‌یابند «هم‌نشین» نامیده می‌شوند. هم‌نشین همواره از دو یا چند واحد پیاپی تشکیل می‌شود. واژه‌ای را که در هم‌نشین قرار می‌دهیم ارزش خود را به دست می‌آورد؛ چون در تقابل با آنچه بعد و یا قبلش می‌آید و یا با هر دو قرار می‌گیرد (دو سوسور، ۱۳۷۸: ۱۶۷). گاهی جاذبه دو جانبه ای وجود دارد که عناصر زبانی را به سمت هم می‌کشاند. با هم‌آیی، تنها به عناصر واژگانی محدود نشده و ترکیب‌های واژگانی را نیز شامل می‌شود (ویدوسن، ۱۳۹۵: ۱۲۲). صورت ترکیبی یا زنجیره، واژه‌های مشتق و مرکب، گروه واژه‌ها و جمله‌ها را شامل می‌شود. بر این پایه، رابطه هم‌نشینی در همه صورت‌های ترکیبی زبان برقرار است، مثلاً در جمله «انسان به همه چیز می‌اندیشد» واژه «انسان»، «به»، «همه»، «چیز» و «می‌اندیشد» با ترتیب خاصی به دنبال یکدیگر به کار رفته و رشته‌ای معنی‌دار را پدید آورده است؛ از این رو عناصر سازنده زنجیره مذکور با یکدیگر رابطه هم‌نشینی دارند. همچنین سه بخش معنی‌دار «می» «اندیش» و «د» در واژه «می‌اندیشد» که با ترکیب خاصی به دنبال یکدیگر ظاهر شده، با یکدیگر رابطه هم‌نشینی دارند (مشکوٰۃ الدینی، ۱۳۸۱: ۸۶).

پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه هم‌نشینی مؤید آن است که عامل تعیین‌کننده موارد با هم‌آیی، نه تنها معنی هر یک از واژه‌ها به صورت منفرد، بلکه قراردادهای موجود میان واژگان هم‌نشین آن‌ها نیز هست، به همین دلیل ما اصلاً قادر به محدود ساختن موضوع هم‌نشینی در یک چهارچوب خاص نیستیم (همان: ۱۶۳).

به دلیل هم‌نشینی معنایی واحدهای زبانی، امکان انتقال مفاهیم هم‌نشین شده به یکدیگر پدید می‌آید. این انتقال می‌تواند به حدی برسد که مفهوم یک واحد زبان به طور کامل به واحد دیگر منتقل شود و این واحد در معنی تازه‌ای به کار رود. نمونه بارز این انتقال معنی را می‌توان در پدیده مجاز یافت که نتیجه هم‌نشینی معنایی است. همچنین حذف واژه‌های هم‌نشین می‌تواند سبب تغییر مفهوم واژه یا واژه‌های غیر محذوف شود (صفوی، ۱۳۸۳: ۲۴۷).

۲. تحلیل هم‌نشین‌ها در آیات مربوط به عدالت اجتماعی

۱-۲. و جزاء سیئة سیئة مثلها فمن عفا و اصلح فأجره علی الله انه لا یحب الظالمین (شوری / ۴۰)

۱-۲-۱. معنای آیه:

و جزای بدی، مانند آن، بدی است. پس هر کس درگذرد و نیکوکاری کند، پاداش او بر [عهده] خداست. به‌راستی او ستمگران را دوست نمی‌دارد.

۱-۲-۲. معنای معجمی

- جزاء: پاداش، کیفر. مجازات کافی و برابر (خوبی در برابر خوبی و بدی در برابر بدی) (راغب اصفهانی، ۱۹۹۲: ۱۹۵).
- سیئة: گناه، کار زشت، ضد خوبی (همان: ۴۴۱).
- مثل چیز مشابه، مقدار برابر
- عفا (عن): پاک کردن گناه کسی و در گذشتن از آن (همان: ۵۷۴).
- اصلح: نیکی کردن (ابن منظور، ج ۷، ص ۳۸۴) ضد فساد؛ این دو بیشتر به افعال اختصاص دارند.
- اصلاح در قرآن گاهی مقابل فساد و گاهی مقابل گناه است (راغب اصفهانی، ۱۹۹۲: ۴۸۹).
- اجر: پاداش دنیوی یا اخروی عمل (همان: ۶۴).
- ۲-۱-۳. هم‌نشینی

جزاء ← سیئه ← مثل ← عفا ← اصلح ← اجر ← الله ← ظالمین

در کنار هم قرار گرفتن واژه «جزاء» و «سیئه» این معنی را می‌دهد که در برابر بدی باید کیفری وجود داشته باشد که کیفیت و کمیت این کیفر را هم‌نشینی بعدی یعنی واژه «مثل» مشخص می‌کند. واژه «مثل» همان‌طور که در قسمت معنای معجمی گفتیم، به معنای «مقدار برابر» است، بنابراین کیفر بدی که به فرد شده، چه از لحاظ کیفیت و چه از لحاظ کمیت، باید دقیقاً به همان میزان باشد که اگر این‌گونه باشد، عدالت رعایت شده و چنانچه غیر از این باشد، از نظر خداوند عدالت رعایت نشده است.

تا اینجای آیه دو مطلب دریافت می‌شود: نخست اینکه به هر حال فردی که به او بدی می‌شود، می‌تواند طرف مقابل را مجازات کند و این حق اوست و اگر چنین کند از نظر خداوند گناهی مرتکب نشده و ظلمی نکرده است. دوم اینکه فردی که به او بدی شده اگر می‌خواهد عدالت را در مجازات رعایت کند باید دقیقاً به اندازه همان بدی که در حق او شده مجازات کند، وگرنه از چارچوب عدالت خارج شده است.

اما هم‌نشینی‌های بعدی روی دیگری از سکه را نشان می‌دهد و آن اینکه اولاً می‌توان از بدی گذشت و ثانیاً اینکه حتی می‌توان به طرف مقابل در برابر بدی او نیکی کرد و به این وسیله بذر محبت را در دل او کاشت تا بلکه رفتار بد او اصلاح گردد. حال سؤال این است که اگر فرد از بدی که به او شده بگذرد، پس حق او چه می‌شود؟ آیا در این صورت عدالت برقرار شده است؟ پاسخ این سؤال‌ها را هم‌نشینی‌های بعدی مشخص می‌کنند. واژه‌های «اجر» و «الله» خیال مخاطب را راحت می‌کند که ظلمی که در حق تو شده در دستگاه خداوند گم نمی‌شود و اگر از آن در گذری، پاداش تو را خداوند خواهد داد.

نکات دیگری هم در تأویل و تفسیر هم‌نشینی «عفا و اصلح» با واژه‌های قبلی وجود دارد. سؤال این است که اصلاً چرا خداوند واژه «عفا» و «اصلح» را با واژه «سیئه» هم‌نشینی کرده است؟

در هم‌نشینی واژه‌های مذکور و نیز قرار گرفتن آن‌ها بعد از جمله اول، یک آموزه تربیتی نهفته است و آن اینکه همیشه بهترین و عادلانه‌ترین نتیجه در مجازات برابر نیست، بلکه مخاطب واژه‌های «عفا» و «اصلاح» متوجه می‌شود که در بخشش همراه با نیکی و اصلاح یک رفتار زشت هم به احتمال زیاد می‌توان به نتیجه مطلوبی رسید و آن نتیجه مطلوب اصلاح یک گناه، یک رفتار زشت، یک منکر... است که دیگر ادامه نیابد و در پی این اصلاح ریشه‌کن شود و از رهگذر این اصلاح وضعیت فرد و به تبع آن جامعه رو به بهبودی رود که این روند مسلماً به عدالت نزدیک‌تر است؛ چراکه هر چه رفتارهای زشت کمتر شود و منکر در جامعه کاهش یابد، عدالت در جامعه بیشتر پیاده می‌شود؛ بنابراین خداوند چه هوشمندانه تصویری از لایه زیرین یک جامعه که می‌تواند مبتنی بر عدل باشد را نشان می‌دهد.

در پایان این صحبت‌ها خداوند مانند همیشه موضع قاطع خویش را در برابر ظلم اعلام می‌نماید و آن اینکه او نه تنها هیچ‌گاه از ظلم و ظالم حمایت نکرده بلکه آن‌ها را دوست ندارد، این هم‌نشینی می‌تواند دو دلیل داشته باشد؛ اول همین اعلان موضع خداوند که ذکر کردیم و دوم اینکه اگر به خاطر جمله قبل که خداوند از بخشش در برابر بدی سخن گفت، شبهه‌ای در ذهن مخاطب نسبت به موضع خداوند در برابر ظلم ایجاد شده باشد، این شک و شبهه را از بین ببرد و به همگان بفهماند که خداوند تحت هیچ شرایطی ظلم و ظالم را نمی‌پسندد و آن را دوست ندارد؛ بنابراین این آیه با زیبایی و نیکویی تصویری از عدل خداوند را می‌نمایاند.

نکته دیگر در این آیه اینکه واژه «جزاء» و «سیئة» همدیگر را جذب می‌کنند و بین واژه «مثل» با دو واژه مذکور نیز کششی وجود دارد. همچنین هرگاه سخن از بدی به میان می‌آید، تصویری از بخشش و گذشت نیز به ذهن متبادر می‌شود، بنابراین بین هم‌نشینی‌های بعدی با این واژه‌ها نیز نوعی هم‌آیی وجود دارد که همه این‌ها در یک زنجیره معنایی در کنار هم قرار گرفته‌اند تا تصویری از عدالت را برای مخاطب عرضه نمایند.

۴-۲. ان الله يأمرکم أن تؤدوا الامانات إلى أهلها و إذا حکمتم بین الناس أن تحکموا بالعدل إن الله نعماً یعظکم به إن الله کان سمیعاً بصیراً (نساء/ ۵۸)

۴-۲-۱- معنای آیه

خدا به شما فرمان می‌دهد که سپرده‌ها را به صاحبان آن‌ها رد کنید و چون میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید. در حقیقت، نیکو چیزی است که خدا شما را به آن پند می‌دهد. خدا شنوای بیناست.

۴-۲-۲- معنای معجمی

- یأمر: فرمان می‌دهد.

- تؤدوا: از «أداء» و به معنای «رساندن چیز به نحو بایسته» (الحسینی الموسوی، ۱۴۱۵: ۴۲).

- أهل: مالک (اهل الامر: مالک آن) (فیروز آبادی، ۱۹۹۱/۳: ۴۸۶).

– حکمت: قضاوت کردید

۴-۲-۳. هم‌نشینی

حکم ← ناس ← عدل ← سمیع ← بصیر

در این آیه واژه «حکم» و «عدل» با واژه «ناس» هم‌نشین شده است.

کلمه ناس به معنای «مردم» است و کاربرد آن در این آیه دلالت بر این دارد که این دستور خداوند برای همه‌ی مردم قابل اجراست و داوری عادلانه در مورد همه‌ی مردم باید انجام شود و هیچ گروه و حزبی از آن مستثنی نیست. کلمات هم‌نشین بعدی یعنی انتهای آیه، کلمات «سمیع» و «بصیر» هستند. خداوند پس از ارائه‌ی دستور، در انتها می‌فرماید: «خداوند شنونده و بیناست.» «سمیع» و «بصیر» که صفت مشبه هستند با هم‌نشین شدن خود با کلمات «حکم، عدل، ناس» این دلالت را می‌رساند که هنگام داوری کردن شما بین مردم، خداوند به طور کامل بر اعمال شما نظارت دارد و اگر شما به ناحق حکم کنید، این را بدانید که حق کسی نزد خداوند پایمال نمی‌شود. خداوند با این گفتار، نه تنها درصدد پیاده کردن عدالت در جامعه است، بلکه با به کار بردن کلمات «سمیع و بصیر» در کنار «عدل»، عدالت خود را نیز به مردم می‌نماید تا این اطمینان خاطر را به همه بدهد که حق کسی نزد او پایمال نمی‌شود.

از سوی دیگر واژه «حکم»، واژه «عدل» و نیز «مردم» را به ذهن متبادر می‌کند. همچنین واژه «شنا» واژه «بینا» را جذب می‌کند؛ به عبارت دیگر این واژه‌ها با هم‌آیی دارند و کاملاً درست و منظم در کنار هم قرار گرفته‌اند.

۴-۳. و إن عاقبتهم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به و لئن صبرتم لهو خیر للصابرین (نحل / ۱۲۶).

۴-۳-۱. معنای آیه:

و اگر عقوبت کردید، همان گونه که مورد عقوبت قرار گرفته‌اید [متجاوز را] به عقوبت رسانید و اگر صبر کنید البته آن برای شکیبایان بهتر است.

۴-۳-۲. معنای معجمی

– عاقبتهم: «عقوبت»، «عقاب» و «معاقبه» تنها در مورد عذاب به کار می‌رود و اصل در معنای «عقوبت» همان عقب است که به معنای «پاشنه پای آدمی و دنباله هر چیزی» است (راغب، ۱۹۹۲: ۵۷۵).

پس اینکه فرمود: «و إن عاقبتهم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم» بطوری که از سیاق برمی‌آید، خطابش به مسلمین است و لازم‌هاش این است که مراد از معاقت، مجازات مشرکین و کفار باشد و مراد از جمله «عوقبتم به» عقابی باشد که کفار به مسلمانان کرده‌اند که چرا به خدا ایمان آورده‌اید و چرا خدایان ما را رها کرده‌اید؟ (علامه طباطبایی، ۱۳۸۶: ج ۱۲، ۵۳۸).

– مثل ابتدا معنای واژه‌های «شبه» و «مساوی» و «شکل» را بررسی کنیم، سپس به کلمه «مثل» بپردازیم.

«شبه» به مشارکت در کیفیت گفته می‌شود. «مساوی» به مشارکت در کمیت گفته می‌شود. «شکل» به مشارکت در اندازه و مساحت گفته می‌شود؛ اما «مثل» عام است و همه این مسائل را در برمی‌گیرد؛ از این رو هرگاه خداوند خواسته از هر جهت نفی شباهت کند، از کلمه «مثل» استفاده نموده است (لیس کمثله شیء) (راغب، ۱۹۹۲: ۷۵۹).

۴-۳-۳. هم‌نشینی

عاقبتم ← عاقبوا ← مثل ← صبر ← خیر

در این آیه واژه «عقوبت» با واژه «مثل» هم‌نشین شده که معرف مجازات برابر و عادلانه است. سپس واژه «صبر» و «خیر» را داریم که از قرار گرفتن آن‌ها در کنار واژه «عقوبت» متوجه می‌شویم که در زمینه عقوبت که حتماً هم باید عادلانه و دقیقاً به اندازه ظلمی که به فرد شده است باشد، اگر فرد صبر پیشه کند، به عدالت نزدیک‌تر و برای او بهتر است؛ بنابراین صبر در مجازات می‌تواند زمینه‌ای برای پیاده‌سازی عدالت در جامعه باشد.

از سوی دیگر واژه «عقوبت» واژه «برابر» را جذب می‌کند و نیز واژه «صبر» با واژه «خیر»

هم‌آیی دارد.

۴-۴. یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله و لو علی انفسکم أو الوالدین و الاقربین إن یکن غنیاً او فقیراً فالله اولی بهما فلا تتبعوا الهوی أن تعدلوا و إن تلووا أو تعرضوا فإن لله کان بما تعملون خبیراً (نساء / ۱۳۵)

۴-۴-۱. معنای آیه

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید، هر چند به زیان خودتان یا [به زیان] پدر و مادر و خویشاوندان [شما] باشد. اگر [یکی از دو طرف دعوا] نتوانگر یا نیازمند باشد، باز خدا به آن دو [از شما] سزاوارتر است؛ پس از پی هوس نروید که [در نتیجه از حق] عدول کنید؛ و اگر به انحراف گرایید یا اعراض نمایید، قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

۴-۴-۲. معنای معجمی

کونوا قوامین: در برپایی عدل کوشا باشید (النسفی، ن.ت/۱: ۲۵۶) همواره عدل را برپا کنید، برپایی عدل کار همیشگی شما و از عادات شما باشد، چه در گفتار چه در عمل (طبرسی، ۳/۲۰۵۵: ۲۱۲). قوامین بالقسط: قیام‌کنندگان به عدل به کامل‌ترین شکل ممکن (علامه طباطبایی، ۵/۱۳۷۱: ۱۰۸). شهدا: گواهان (جمع شهید) (ابن منظور، ۲۲۲).

اقربین: خویشاوندان (جمع اقرب).

غنی: ثروتمند.

اولی: سزاوارتر.

- لا تتبعوا: پیروی نکنید (تبع: پشت سر او حرکت کرد و با او همراه شد) (فیروزآبادی، ۳/۱۹۹۱: ۱۴).

تعدلوا: (عدول): انحراف و ستم (طبرسی، ۳/۲۰۵۵: ۲۱۳).

تلووا: به انحراف گرایید (اگر زبان خود را از گواهی دادن به حق و داوری عادلانه بپیچانید) (النسفی، ن.ت/ ۱: ۲۵۶).

تعرضوا: اعراض نمایید (از شهادت دادن نسبت به آنچه می‌دانید، روی گردانید). (همان‌جا) روی برگرداندن (فراهیدی، ۱/۱۴۲۵: ۳۷۲).

۳-۴-۴. هم‌نشینی

در این آیه چند گروه هم‌نشینی می‌توان در نظر گرفت:
گروه اول:

آمنوا ← قوامین ← القسط ← شهداء ← لله

در این گروه هم‌نشینی، واژه «قسط» واژه هسته‌ای است؛ چراکه مبحث اصلی آیه عدل است. واژه «آمنوا» در هم‌نشینی با واژه «قسط» این معنا را می‌رساند که خواسته‌ی خداوند این است که مؤمنان متصف به صفت عدالت باشند.

هم‌نشینی بعدی یعنی واژه «قوامین» بیانگر این است که خداوند نه تنها به دنبال این است که مؤمنان متصف به صفت عدالت باشند؛ بلکه در راه اجرای آن تلاش کنند و همواره دغدغه‌ی آن را داشته باشند.

به نظر می‌رسد قرار گرفتن صفت «قوامین» در ابتدای این آیه مجوز بیان حکم «گواهی دادن» است؛ چه آنکه صفت «شهادت، گواهی دادن» پس از آن ذکر شده و گویا خداوند از وصف عام به بعضی از شاخه‌های آن منتقل گشته و فرموده «گواهانی برای خداوند باشید» و این برای شما میسر نمی‌شود مگر پس از اینکه برپاکننده‌ی عدل باشید؛ بنابراین برپاکننده‌ی عدل باشید تا بتوانید گواهانی برای خداوند باشید (علامه طباطبایی، ۱۳۷۱/۵: ۱۰۸)؛ بنابراین این هم‌نشینی بسیار معنادار و با اهمیت است.

همچنین واژه «شهداء» به معنی «گواهان» است و می‌تواند این معنی را داشته باشد که یکی از ابزارهای اجرای عدالت، گواهی دادن برای طرف‌های درگیر است؛ بنابراین مؤمنان نباید از انجام آن سر باز زنند تا عدالت به بهترین شکل ممکن در جامعه پیاده شود.

واژه «الله» نیز که به نوعی حسن ختام این گروه محسوب می‌شود در کنار واژه «شهداء» آمده تا به مؤمنان یادآور شود که شهادت شما حتماً باید برای رضای خدای متعال بوده و نیت شما باید خالص باشد و هیچ چیز یا کسی نباید شما را از شهادت راستین بازدارد تا مبادا ظلمی به کسی شود.

از سوی دیگر قرار گرفتن واژه «الله» در این گروه کلمات نشانگر این است که در بحث ایمان و عدالت و گواهی، رد پای خداوند وجود دارد و همگان باید به این امر واقف باشند و بدانند که این موضوع یکی از حوزه‌های حکومت خدای متعال و لازمه‌ی ایمان واقعی است.

گروه دوم:

جمله «و لو علی انفسکم أو الوالدین و الأقربین».

در جمله تأکیدی خداوند نسبت به باندبازی و تحت تأثیر احساسات قرار گرفتن هشدار می‌دهد و می‌فرماید: «و لو کان علی انفسکم أو الوالدین و الأقربین». توضیح اینکه شما برای خدا و به حق گواهی دهید؛ اگرچه به نفع خودتان یا پدر و مادر و نزدیکان شما نباشد. لذا شما نباید به خاطر منافع شخصی یا به دلیل عشق خود به پدر و مادر و خویشاوندان از گواهی راستین سرباز زنید و یا از گواهی دادن پرهیز کنید (علامه طباطبایی، ۵/۱۳۷۱: ۱۰۹).

از هم‌نشینی این جمله با جمله قبل درمی‌یابیم که یکی از مهم‌ترین عوامل اجرای عدالت دوری از باندبازی، عدم پیروی از احساسات و روابط عاطفی و در نظر گرفتن خداوند و حق به هنگام گواهی دادن برای مردم است.

گروه سوم:

هوی ← تعدلوا ← تلووا ← تعرضوا

در این گروه هم‌نشینی، واژه «تعدلوا» واژه هسته‌ای است؛ چراکه مبحث اصلی این قسمت، «ظلم و جور» است.

واژه‌های هم‌نشین یعنی واژه‌های «هوی»، «تلووا» و «تعرضوا» معرف بعضی از ابزارهای ظلم هستند و به‌نوعی حوزه معنایی بحث را معین می‌کنند. توضیح اینکه پیروی از هوای نفس، پیچاندن زبان به منظور عدم بیان واقعیت و اعراض کردن از بیان حق، زمینه ظلم را فراهم می‌سازد و موجب عدم اجرای عدالت در جامعه می‌شود.

گروه چهارم:

هم‌نشینی گروه اول و گروه دوم، دو حوزه معنایی «عدل» و «ظلم» را معرفی می‌کند. دو حوزه متضاد با مفاهیم مربوطه که مؤمنان باید به یکی از آن‌ها متصف و از دیگری بری باشند. در واقع خداوند صراحتاً مؤمنان را امر می‌کند که به «عدل» پایبند باشند و از «ظلم» دوری نمایند.

از سوی دیگر این دو مفهوم که معنای متضاد دارند، همدیگر را جذب کرده و با شنیدن یکی از آن‌ها دیگری (ضد آن) به ذهن متبادر می‌شود. واژه‌های مربوط به هر یک از این حوزه‌ها نیز از این خصوصیت به دور نیستند؛ بنابراین در این قسمت، واژه‌های مربوطه در یک زنجیره خطی یک هم‌نشینی زیبا برای تصویرسازی ماهرانه در حوزه عدالت را تشکیل داده‌اند.

گروه پنجم:

جمله «ان الله کان بما تعملون خبیراً»:

واضح است که این جمله هم‌نشین بیانگر این است که هر طور عمل کنید و هر راهی را دنبال کنید زیر ذره‌بین خداوند هستید و او به تمام اعمال شما از ریزودرشت آگاه است. باز هم در

موضوع عدالت رد پای خدای متعال را می‌بینیم و اطمینان خاطر پیدا می‌کنیم که این موضوع از مهم‌ترین مسائل و بسیار مورد توجه خداوند است.

۵. نتیجه

در آیات مورد بحث با واژه‌هایی برخورد داشتیم که بخشی از حوزه معنایی عدالت را معرفی می‌کردند. واژه‌های «مجازات، گناه، عقوبت، گذشت، اصلاح، قضاوت، مردم، عدل، صبر، گواهی، هوای نفس و ...» به‌نوعی مفهوم عدالت و ضد آن یعنی ظلم را توضیح می‌دهند. هر یک از این واژه‌ها با هم‌نشینی‌های خود معرف جنبه‌ای از عدالت هستند؛ واژه‌های «جزاء و سیئة و عقوبت و مثل» مبین مجازات برابر در مقابل بدی هستند و این عین عدالت است. هم‌نشینی واژه «قسط با ءامنوا و شهداء» بیانگر این مسئله است که مؤمنان باید متصف به صفت عدالت و دادگری باشند و این صفت آن‌ها هنگام گواهی دادن در مورد دیگران هم باید در آن‌ها وجود داشته باشد و بروز نماید. واژه‌های «حکم و عدل و ناس» و نیز جمله «و لو علی انفسکم أو الوالدین و الاقربین» عدالت را مسئله‌ای همگانی معرفی می‌کند که هیچ‌گونه باندبازی و احساس و عاطفه‌ای نباید در اجرای آن تأثیرگذار باشد. واژه‌های «سمیع و بصیر» تأکیدی است بر اینکه مخاطب، خدای شنوا و بینا را هنگام اجرای عدالت ناظر بر اعمال خود بدانند.

همچنین در این بررسی به واژه‌هایی برخوردیم که معرف جنبه صبر و گذشت و نیکی در زمینه عدالت هستند. واژه‌های «صبر و خیر و عفو و اصلاح» با ورود به حوزه معنایی عدالت در آیات مورد بررسی نشان می‌دهد که دادگری گاهی با گذشت و نیکی و یا صبر در مقابل بدی ممکن است نتیجه بهتری به دنبال داشته باشد. به این ترتیب خداوند اجرای عدالت را محدود به یک روش نکرده و راه‌های گوناگون را پیش روی انسان قرار می‌دهد تا وی در شرایط مختلف قدرت تصمیم‌گیری بیشتری داشته باشد. واژه‌های «هوی و تعدلوا و تلوا و تعرضوا» نقطه مقابل عدل یعنی ظلم را نشان می‌دهند و اینکه هوای نفس و پنهان کردن حقیقت زمینه‌ساز ظلم است. نکته آخر اینکه فراوانی واژه «الله» در گروه‌های هم‌نشینی مبین وجود خدایی عادل و نیز حضور قوی او در میدان عدل و داد است.

منابع

- قرآن کریم، (۱۳۸۴)، ترجمه محمد مهدی فولادوند، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ابن منظور، (د.ت)، *لسان العرب*، تصحیح محمد عبدالوهاب، امین، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
 آقا گل زاده، فردوس، (۱۳۹۰)، *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران، علمی و فرهنگی.
 جوادی آملی، (۱۳۹۱)، *ادب قضا در اسلام*، قم، اسراء.
 الحسینی الموسوی، نورالدین، (۱۴۱۵)، *فروق اللغات فی التمییز بین مفاد الکلمات*، مکتب نشر الثقافة الاسلامیة.
 حسینی معصوم، سید محمد، (۱۳۹۱)، بررسی و توصیف طنین معنایی و معنی ضمنی واژه در نظام معنایی واژگان و هم‌نشینی‌ها در زبان فارسی «، مشهد، دانشگاه فردوسی، *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، سال چهارم، ش ۲۲-۲۱.

- دوسوسور، فردیناند، (۱۳۷۸)، *درس‌های زبان‌شناسی همگانی*، ترجمه نازیلا خلخالی، تهران، فرزانه.
- ر. پالمر، فرانک، (۱۳۸۱)، *نگاهی تازه به معنی‌شناسی*، ترجمه کورش صفوی، تهران، مرکز.
- راغب اصفهانی، (۱۹۹۲)، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، دمشق، دار القلم.
- سجودی، فرزانه، (۱۳۸۸)، *ساخت‌گرایی پسا ساخت‌گرایی و مطالعات ادبی*، تهران، سوره مهر.
- سید باقری، سید کاظم، (۱۳۹۳)، *عدالت سیاسی*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شعیری، حمیدرضا، (۱۳۸۱)، *مبانی معناشناسی نوین*، تهران، سمت.
- شهید مطهری، مرتضی، (۱۳۵۲)، *عدل الهی*، بنیاد علمی فرهنگی استاد شهید مرتضی مطهری، ۵۴-۵۸.
- صفوی، کورش، (۱۳۸۳)، *درآمدی بر معنی‌شناسی*، تهران، سوره مهر.
- صفوی، کورش، (۱۳۸۸)، «نقد ساختگرا»، تهران، فرهنگستان هنر، ش ۱۲، ۵۷-۷۴.
- طبرسی، الحسن، (۲۰۵۵)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، الاعلمی للمطبوعات.
- علامه طباطبایی، السید محمدحسین، (۱۳۷۱)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- علامه طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۸۶)، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی.
- الفراهیدی، الخلیل بن احمد، (۱۴۰۵)، *کتاب العین*، تحقیق مهدی المخزومی، ایران، دار الهجرة.
- فیروز آبادی، یعقوب، (۱۹۹۱)، *القاموس المحيط*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- قائمی، مرتضی و همکاران، (۱۳۹۷)، «مطالعه مؤلفه‌های معنایی واژه قرآنی «حمیم» بر مبنای روابط همنشینی و جانشینی»، تهران، دانشگاه تهران، *ادب عربی*، سال دهم، ش ۲، ۸۱-۱۰۰.
- گیرتس، دیرک، (۱۳۹۳)، *نظریه‌های معنی‌شناسی واژگانی*، ترجمه کورش صفوی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- مشکوة الدینی، مهدی، (۱۳۸۱)، *سیر زبان‌شناسی*، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- نبی احمدی، محمد، پور آذر، مهدی، (۱۴۰۰)، «بررسی زبان‌شناختی آیات ارث از نگاه محمد شحرور»، تهران، *ادب عربی*، سال سیزدهم، ش ۱، ۱۳۷-۱۵۳.
- النسفی، (ن.ت)، احمد بن محمود، *تفسیر النسفی*، دار الاحیاء الکتب العربیة.
- نهج البلاغه، (۱۳۷۹)، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات ظهور.
- ویدوسن، اچ. جی، (۱۳۹۵)، *تحلیل گفتمان*، ترجمه نگار ایل غمی، تهران، جامعه‌شناسان.
- هوارث، دیوید، (۱۳۸۶)، «سوسور، ساختارگرایی و نظام‌های نمادین»، ترجمه نظام بهرامی کیمیل، *رسانه*، تهران، سال هجدهم، ش ۷۲، ۱۸۷-۲۰۳.
- یونس علی، محمد، (۲۰۰۷)، *المعنی و ظلال المعنی*، بیروت، دار المدار الاسلامی.

Sources

- Holy Quran,(2006), translated by Mohammad Mehdi Foladvand, Qom, Islamic Publications of Society of Seminary Teachers of Qom, second edition. [In Arabic].
- Agha Golzadeh, F.,(2012), *Critical discourse Analysis*, Tehran, Scientific and Cultural Publication, second edition. [In Persian].
- Al-Farahidi, A.A.,(1405), *Kitab Al-Ain*, researched by Mahdi Al-Makhzoumi, Iran, Dar al-Hijrah. [In Arabic].

- Al-Hussaini Al-Mosavi, N.D.,(1415), *Fotuq al-Laghat fi al-Tammeez Bain Mfad al-Klamat*, Al-Thuaqafat al-Islamiya Publishing School, third edition. [In Arabic].
- Allameh Tabatabai, A.S. M. H.,(1992), *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur`an*, Qom, Ismailian Institute, fifth edition. [In Persian].
- Allameh Tabatabai, S. M. H.,(2007), *Translation of Tafsir al-Mizan*, translated by Seyyed Mohammad Baqir Mousavi Hamdani, Qom, Islamic Publications, twenty-second edition. [In Persian].
- Al-Nasafi, A. M.,(N. D) *Tafsir al-Nasafi*, Dar al-Ahiya al-Kitab al-Arabiya. [In Arabic].
- Dossussor, F.,(1999), *General Linguistics Lessons*, translated by Nazila Khalkhali, Tehran, Farzan. [In Persian].
- Firouzabadi, Y.,(1991), *Al-Qamoos Al-Muhait*, Beirut, Dar Ihia Al-Torath Al-Arabi. [In Arabic].
- Geerts, D.,(2015), *Theories of Lexical Semantics*, translated by Koresh Safavi, Tehran, Allameh Tabatabai University. [In Persian].
- Hosseini Masoum, S. M.,(2013), " Investigation and Description, Cemantic Resonance and Implicit Meaning of Words in the Semantic System of Words and Collocations in Persian Language, Mashhad, Ferdowsi University, *Khorasan Linguistics and Dialects*, 4th ywar, vol. 2. 1-22. [In Persian].
- Howarth, D.,(2007), " Sassur, Structuralism and Symbolic Systems", translated by Nizam Bahrami Kamil, *Media*, Tehran, year 18, vol. 72, 187-203. [In Persian].
- Ibn Manzoor, (N. D) *Lesan al- Arab*, revised by Muhammad Abd al-Whhab, Amin, Beirut, Dar Ihya al- Torath al-Arabi, third edition. [In Arabic].
- Javadi Amoli,(2013), *Adab Qadha in Islam*, Qom, Esra, third edition. [In Persian].
- Mashkat Aldini, M.,(2002), *The Course of Linguistics*, Mashhad, Ferdowsi University of Mashhsd, third edition. [In Persian].
- Motahari, M.,(1972), *Divine Justice*, Professor Shahid Morteza Motahari Scientific and Cultural Foundation, 54-58. [In Persian].
- Nabi Ahmadi, M. P. M.,(1400)," A Linguistic Study of Quranic Verses on Inheritance from Shahrour's Viewpoint", Tehran, *Arabic Literatur*, 13th year, vol. 1. 137-153. [In Persian].
- Nahj al-Balagha, (2000) translated by Mohammad Dashti, Qom, Zohoor Publications. [In Persian].
- Qaemi, M. et al.,(2019), " Study of the Components of the Meaning of the Quranic WORD " Hamim " based on Coexistence and Substitution Relationships ", Tehran, University of Tehran, *Arabic Literature*, 10th year, vol. 2. 81-100. [In Persian].
- R.Palmer, F.,(2002), *A New Look at Semantics*, translated by Koresh Safavi, Tehran, Center, third edition. [In Persian].

- Ragheb Esfahani,(1992), *Vocabulary of the Words of the Qur`an*, Safwan Adnan Davoudi`s research,Damascus, Dar al-Qalam. [In Arabic].
- Safavi, K.,(2004), *An Introduction to Semantics*, Tehran, Surah Mehr, second edition. [In Persian].
- Safavi, K.,(2009), " Constructivist Criticism", Tehran, *Art Academy*, Vol. 12, 57-74. [In Persian].
- Seyed Bagheri, S. K.,(2015), *Political Justics*, Tehran, Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization. [In Persian].
- Shayiri, H. R.,(2002), *Basics of Modern Semantics*, Tehran, Samt, [In Persian].
- Sojodi, F.,(2009), *Post-Structuralism and Literary Studies*, Tehran, Surah Mehr, second edition. [In Persian].
- Tabarsi, A.H.,(2055), *Majma al-Bayan fi Tafsir Al-Qur`an*, Beirut, Al-Alami Prees, second edition. [In Arabic].
- Widdowson, H. J., (2017), *Discourse Analysis*, translated by Negar Ilghami, Tehran, Sociologists. [In Persian].
- Yunus, A. M. M.,(2007), *Al-Ma`ani and the Shadows of Al-Ma`ani*, Beirut, Dar al-Madar al-Islami, second edition. [In Arabic].